

آنگاه سلیمان رهبران اسرائیل، سران طایفه‌ها و خانواده‌ها را برای آوردن صندوق پیمان خداوند از شهر داوود در صهیون، به اورشلیم فراخواند. 3 تمام مردان اسرائیل در عید خیمه‌ها که در ماه هفتم برگزار می‌شد، نزد پادشاه گرد آمدند. 4 هنگامی که همه رهبران اسرائیل آمدند، لاویان صندوق پیمان را برداشتند. 5 صندوق پیمان، خیمه مقدس و تمام ظروف مقدسی را که در خیمه بود، کاهنان و لاویان آوردند. 6 آنگاه سلیمان پادشاه و تمام قوم اسرائیل، در برابر صندوق پیمان گرد آمدند و آن قدر گاو و گوسفند قربانی کردند که به شمار نمی‌آمد. 7 پس کاهنان، صندوق پیمان خداوند را در جایش در مقدس‌ترین مکان در زیر بال فرشتگان نگهبان قرار دادند، 8 بالهای فرشتگان نگهبان، بر روی



صندوق پیمان و چوبهایی که با آنها آن را حمل می‌کردند، گسترده بودند. 9 این چوبها آن قدر بلند بودند که انتهای آنها از مقدس‌ترین مکان دیده می‌شد، ولی از حیاط دیده نمی‌شدند و تا به امروز در آنجا هستند. 10 در صندوق پیمان چیزی جز دو لوحی که موسی در کوه سینا -جایی است که خداوند با قوم اسرائیل هنگام خروجشان از مصر پیمان بست- در آن گذاشت، نبود. شکوه خداوند 11 هنگامی که کاهنان از قدس بیرون آمدند، زیرا تمام کاهنایی که حاضر بودند بدون توجه به گروهی که در آن بودند- خود را پاک کرده بودند. 12 تمام سراینندگان لای، یعنی آساف، هیمان، بدوتون، پسران و برادران ایشان، لباسهای کتانی مرغوب پوشیده بودند. ایشان با سنج، بربط و چنگ با صد و بیست کاهن که شیپور می‌نواختند در شرق قربانگاه ایستادند. 13 وظیفه شیپورچی‌ها و سراینندگان این بود که در ستایش و پرستش هم‌نوازی کنند و هنگامی که آواز ایشان برخاست، با صدای سنج و شیپور و بقیه سازها، در ستایش خداوند خواندند که: او نیکوست، و محبت او تا ابد پایدار است. در آن هنگام معبد بزرگ پر از ابر شد. 14 کاهنان به سبب ابر نتوانستند بایستند و خدمت کنند، زیرا شکوه خداوند، معبد بزرگ را پر کرد.

یکشنبه امروزمان را «کانتاتا» می‌نامند. به معنی این است "آواز بخوانید!" و در متن بالا نمونه ای از این "آواز خواندن" را از طرف بنی اسرائیل مشاهده می‌کنیم. ابتدا می‌خواهم اوضاع بنی اسرائیل را توصیف کنم: سلیمان به تازگی ساخت معبد را تمام کرده بود. مهمترین چیز در معبد ۱۰ فرمان بود. این ۱۰ فرمان ارتباط بین خدا و قوم اسرائیل ایجاد کرد. و همین ۱۰ فرمان به مقدس‌ترین مکان آورده شده بود. این ۱۰ فرمان خدا در آنجا، به عنوان منبع قدرت و جهت گیری برای مردم بود. خود خدا با همان ۱۰ فرمان در ارتباط بود. و هنگامی که مردم در اطراف خدا جمع شدند، با حضور خدا در معبد تقدیس شدند. متنی که ما شنیدیم توصیف کرد چگونه مردم معبد خدا را مُمْتَنَزک کردند. در چنین شرایط ویژه ای آنها آواز را می‌خواندند! کتاب مقدس می‌گوید کاهنان با یک صدا آواز می‌خوانند! آواز خواندن در آن زمان مهم بود و هنوز هم بخش مهمی از مراسم ماست. وقتی کتاب مزمورها را می‌خوانیم، در واقع کتاب ترانه مردم بنی اسرائیل را می‌بینیم. انجیل در باره‌ی عیسی می‌گوید که او نیز آواز می‌خواند. به عنوان مثال، درست پس از عشاء ربانی آواز خواند. در بهشت آواز نیز هست. و به همین دلیل است که در زمان تبرک معبد آواز خوانده می‌شد ... فقط امروز در این یکشنبه "«کانتاتا»" یعنی "آواز بخوان!"، حال و هوای آواز خواندن در واقع به وجود نمی‌آید. ما هنوز با ماسک هایی در کلیسا نشسته ایم. برخی می‌گویند که، به هیچ وجه نمی‌توانند با ماسک آواز بخوانند. در برخی از مراسم های دیگر، مردم از خواندن دست می‌کشند زیرا اعتقاد بر این است که خطر ابتلا به ویروس کرونا به ویژه هنگام آواز خواندن است. این وضعیت یکشنبه ی امروز دلپذیر نیست. من می‌خواهم شما را تشویق کنم که، به هر حال آواز بخوانید! حتی با ماسک، یا حتی اگر فقط با صدای بسیار کم باشد ... یا حتی اگر فقط در ذهن باشد. زیرا آواز خواندن چیزی بیشتر از پیدا کردن لحن صدا ی مناسب است! آواز خواندن ارتباطی با نگرش درونی دارد. آواز خواندن ربطی به ایمان ما دارد. مارتین لوتر گفت: "کسی آواز می‌خواند به طور مضاعف دعا می‌کند؟" و این دقیقاً معنی خواندن قوم بنی اسرائیل در آن زمان بود، همانطور که امروز برای ما است. اما چگونه به طوری مضاعف دعا می‌کنیم؟ وقتی دعا می‌کنیم، نگرانی خاصی دارم که به خدا روی می‌آوریم. این بدان معنی است که، فکر من به حرکت در می‌آورد. شاید حتی یک نیاز بزرگ باشد و می‌خواهم برای کمک به درگاه خدا دعا کنیم. اما ممکن است یک دعا برای سیاست‌گذاری خدا باشد. وقتی آواز می‌خوانم، بیشتر اتفاق می‌افتد که در زمان دعا اتفاق می‌افتد. وقتی آواز می‌خوانم، نمی‌خواهم فقط با کلمات بخوانم، بلکه با چیزهای دیگر! تمام بدن و روح من با آواز خواند به کار می‌افتد. در زمان آواز خواندن عمیق تر نفس می‌کشم و صدایی که از دهان من می‌آید بیش از یک فکر است. صدا از تمام بدنم می‌آید.. احساسات من هم آنجاست! سپس وقتی با افرادی دیگر می‌خوانم، چیز دیگری اضافه شده است: من باید با افرادی

دیگر هماهنگی داشته باشم. ما باید به همصدایی برسیم. کدام آهنگ و کدام ملودی را بخوانیم. سپس هنگام آواز خواندن باید به دیگران توجه کنم. من نمی توانم فقط از شور و شوق خودم آواز بخوانم. باید به دیگران هم گوش کنم. بدون جهت گیری به این جماعت، همه چیز به سردرگمی می رود. وقتی با شخص دیگری درگیر می شوم و خودم را با او همراه می کنم، قلبم گسترش می یابد و احساس همدلی، راحتی و قدرت می کنم. اگر از این طریق به آواز خواندن نگاه کنیم، به طور کلی نمونه ای از زندگی مسیحی است. به عنوان یک مسیحی، من باید با مسیحیان دیگران هم گام باشم، درست مثل خواندن... باید لحن صدای مشترکی پیدا کنم... باید به دیگران توجه کنم... و نمی توانم کل کار را به تنهایی تشکیل دهم، بلکه باید با افراد مختلف ارتباط برقرار کنم، تا یک ملودی فوق العاده بیرون بیاید! ما احساس می کنیم که در یک مسیر با هم هستیم! وقتی قوم بنی اسرائیل در جلوی معبد آواز میخوانند، گفته می شود که همه آنها مانند یک صدا آواز می خوانند! چه احساس شگفت انگیز است وقتی هزاران نفر با هم یک لحن صدا را پیدا می کنند! اما یک چیز دیگر وجود داشت. کل جماعت اسرائیل به مرکز مکان مقدس توجه داشتند. آنها به مقدسترین مکان نگاه کردند! آنها به مکانی که در آنجا ۱۰ فرمان قرار داشت، نگاه کردند. آنها به مکانی که خدا در آنجا بود نگاه کردند! و در همین زمان صدای ترومپت صدا کرد! باید بدانیم که در آن زمان، ترومپت ها به هیچ وجه سازهای موسیقی نبودند. آنها فقط برای اعلام کردن بود. یا آنها باید در صورت وجود خطر به مردم هشدار داد. آنها همچنین به روشی مشابه با زنگ های کلیسای امروز ما استفاده می شدند و می توانستند شروع مراسم را اعلام کنند. ترومپت ها در مقابل معبد سلیمان اجازه داده می داد که، مکان خدا را نشان دهند. آنها مانند انجیلی بودند که فریاد می زدند: ببین! خدای شما در آنجاست! ترومپت ها در اسرائیل در آن زمان به ما نشان می دهند که آواز خوانی ما هدفی دارد. آواز ما به سمت خدا حرکت می کند و هنگامی که مردم در آن زمان آواز می خوانند: "او مهربان است و رحمتش تا ابدالابد دوام می آورد"، خانه پر از ابر شد و همه می دانستند که خود خدا هم اکنون در بین آنها بود. به خاطر وجود ویروس کرونا، بسیاری از مراسم عبادی در اینترنت وجود دارند و... من متوجه شدم که وسوسه های بزرگی وجود دارد که ما فقط خطبه ها را می شنویم. مثل اینکه مهمترین چیز در عبادت تنها خطبه باشد. اما این یک سوء تفاهم است. خطبه ها فقط خدا و نجات خود را از طریق عیسی مسیح مانند ترومپت اعلام می کنند. و سپس ما به عنوان یک مسیحی در کلیسایی جمع می شویم و با تمام قلب خود به درگاه خدا حرکت می کنیم و می خوانیم. این مکان جایی است که خدا با ما ملاقات می کند... حتی در این اوقات کرونا. و همینطور که این کار را می کنیم، فرشتگان در بهشت با ما آواز می خوانند. ماسک نمی زنند و فاصله های زیادی ندارند. آنها گوش زد می کنند که یک روز خواهد آمد که خدا را در آنجا بدون روبرو و جدائی خواهیم دید. آمین